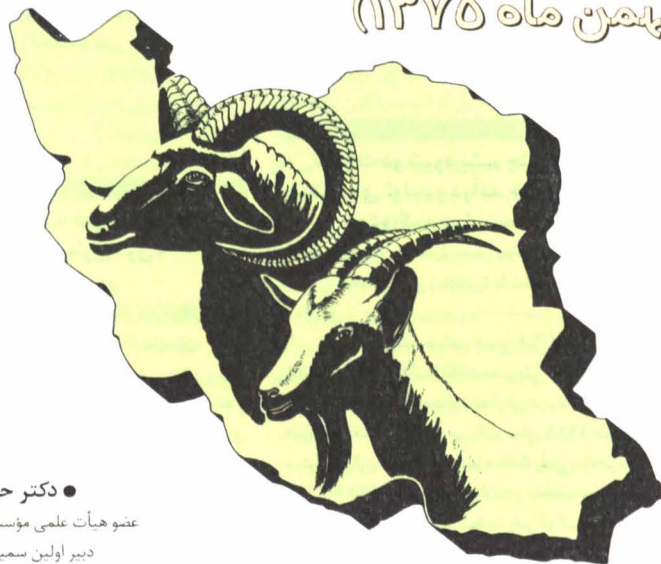


گزارشی از برگزاری اولین سمینار پژوهشی بز و گوسفند کشور (بهمن ماه ۱۳۷۵)



● دکتر حمیدرضا انصاری رنایی

عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات دامپروری کشور و
دبیر اولین سمینار پژوهشی بز و گوسفند کشور

تقی امانپور معاون محترم وزیر جهاد سازندگی در امور آموزش و تحقیقات به جایگاه دعوت شدند. ایشان طی سخنرانی جامع خود ضمن پراهمیت خواندن تولیدات دامی به عنوان بخش عمده تأمین کننده غذای مورد نیاز کشور خواستار هماهنگی بیشتری بین بخشهای تحقیقاتی، دانشگاهی، اجرایی، ترویجی و خصوصی کشور گردیدند، سپس با اشاره به زوال پذیری نفت، اهمیت سرمایه‌های دامی را به علت قابلیت تجدیدپذیری آن با اهمیت ذکر کردند. ایشان ضمن ارج نهادن به کوششهای بیدریغ کارشناسان دامپروری کشور به شکل تغذیه دام اشاره نمودند و خواستار فعالیت پیگیر و مستمر محققین و اندیشمندان در جهت نوآوری و استفاده بهینه از امکانات بالقوه کشور بالاخص استفاده از ضایعات کارخانجات و محصولات زراعی برای تغذیه جمعیت عظیم دام کشور شدند.

در طی دو روز، ۵۲ مقاله برترتیب در پنج گروه علمی پرورش، اصلاح نژاد، تولید مثل، تولیدات دامی و تغذیه ارائه گردید.

همزمان با برپایی این سمینار، نمایشگاهی در زمینه‌های کتب دامپروری، دامپزشکی، صنایع گوشت: الیاف دامی و تولید مثل به معرض دید عموم قرار گرفت. دیگر ویژگیهای این سمینار تهیه عکس و مشخصات بیش از ۳۰ نژاد گوسفند و بز بود که اینکار برای اولین بار در کشور صورت گرفت.

پس از ارائه مقالات جلساتی با خبرگان امر منعقد و پیشنهاداتی جهت توسعه بخش دامپروری ارائه گردید که به این پیشنهادها به صورت فهرستوار اشاره می‌گردد: ۱- با توجه به سهم عظیم گوسفند و بز در تأمین پروتئین حیوانی: الیاف دامی؛ اشتغال جمعیت انسانی، سرمایه تجدید شونده؛ توزیع متناسب میدان عمل پرورش آن عنایت بیشتر سیاستگذاران، مسئولین امر، محققین و سایر دست‌اندرکاران به این زیربخش مورد انتظار جدی می‌باشند.

۲- به منظور بهره‌برداری بهینه از امکانات و توانمندیها، هماهنگی در فعالیت پژوهشی در وزارت جهاد سازندگی توصیه می‌گردد که کلیه فعالیت‌های تحقیقاتی مرتبط با دامپروری تحت نظارت و هماهنگی معاونت آموزش و تحقیقات قرار گیرد. ۳- با عنایت به تحولات بنیادی در سیستم‌های سنتی دامداری علی‌الخصوص نظام عشایری و مشکلات روزافزون آنها، تحقیق در شناخت وضع موجود و تحولات ناشی از اسکان عشایر جهت دستیابی به راه‌های عملی و الگوهای متناسب موکداً توصیه می‌گردد.

۴- حفظ ذخائر ژنتیکی و روشهای مناسب آن به منظور جلوگیری از کاهش تنوع ژنتیکی و انقراض بعضی از توده‌های با ارزش گوسفند و بز مورد توجه جدی قرار گیرد.

۵- تحقیقات در زمینه مسائل اقتصادی - اجتماعی به نظام‌های گله‌داری و مشارکت دادن بهره‌برداران در تحقیق و توسعه و تشکل‌های صنعتی مورد توجه بیشتر محققین و پژوهشگران قرار گیرد.

۶- بررسی روشهای تحقیقات مزرعه‌ای و ترویج یافته‌های تحقیقاتی با توجه به شرایط خاص هر منطقه مورد تأکید قرار گیرد.

۷- تحقیقات مربوط به مدیریت دام و مرتع به منظور حفظ و افزایش بهره‌وری با توجه به وابستگی شدید گوسفند و بز به مرتع بطور جدی پیگیری شود.

۸- نظر به اهمیت استفاده از نتایج تحقیقاتی انجام شده، طی سالهای اخیر، گروآوری و جمع‌بندی کلیه گزارشات تحقیقاتی و برنامه‌ریزی ترویجی آنها با شرکت فعال دستگاه اجرایی و ترویجی امری ضروری می‌باشد.

۹- تحقیق در زمینه‌های مختلف استحصال، عمل آوری،

دام استانها (۶۰ نفر) و کارشناسان بخش خصوصی و ترویجی (۳۳ نفر) شرکت داشتند.

در پی درج اطلاعاتی در جراید کثیرالانتشار کشور نسبت به فراخوان مقاله اقدام گردید که با استقبال پرشور کارشناسان و متخصصین امور دام کشور واقع شد؛ پس از آن بیش از یکصد مقاله به دبیرخانه سمینار ارسال شد که این مقالات توسط هیئت بررسی کنندگان مقالات براساس شاخصهایی چون علمی بودن مطالب، جدید بودن موضوع، به کار بردی بودن نتایج؛ عدم ارائه آن در سمینارهای قبلی و بالاخره ارتباط با امور مبتلا به صنعت گوسفند و بز کشور مورد ارزیابی قرار گرفت. از آن میان تعداد ۵۲ مقاله جهت ارائه مورد تأیید واقع شد که ۲۷ مقاله به صورت سخنرانی و ۲۵ مقاله بصورت پوستر بود. از میان مقالات پذیرفته شده تعداد ۳۲ مقاله توسط محققین مراکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استانهای جهاد سازندگی ۱۵ مقاله توسط اعضای هیئت علمی دانشگاههای کشور و ۵ مقاله توسط سایر مراکز اجرایی و پژوهشی کشور ارائه شده بود.

مراسم افتتاحیه سمینار با سخنان آقای دکتر عبدالرسول غلامه رئیس مؤسسه تحقیقات دامپروری آغاز گردید. ایشان ضمن خیر مقدم به شرکت کنندگان در سمینار در سخنان کوتاهی با ارائه آمار به نقش مهم تولیدات دامی در تولید ناخالص ملی و ارزش افزوده این بخش اشاره نمود و رشد کیفی و کمی تحقیقات دامپروری در سالهای اخیر را قابل توجه دانسته و خواستار تخصیص یافتن بودجه بیشتر به این امر از سوی سیاستگذاران کشور گردید. سپس آقای مهندس محمد

... و جعل لکم من جلود الأنعام بیوتا تستخفونها یوم طغیتم و یوم اقامتکم و من اذواها و اذبارها و اشعارها نانا و مناعا الی حین.

... خداوند برای سکونت موقت سفر از پوست چهار پایان خیمه‌ها را برای شما قرار داد تا وقت حرکت و سکون سبک وزن و قابل انتقال باشد و از پشم و کرک و مو (گوسفند و بز) ائاثیه منزل و متاع و اسباب زندگانی و لباسهای فاخر برای شما خلق فرمود تا در حیات دنیا از آن استفاده کنید.

در اجابت به رهنمودهای مقام معظم رهبری، حضرت آیت... خامنه‌ای؛ مقام محترم ریاست جمهوری و تأیید مجلس محترم شورای اسلامی؛ در خصوص توجه به برنامه‌ریزی در جهت دستیابی به توسعه اقتصادی بدون نفت و خود اتکالی در امر تولیدات کشاورزی، مؤسسه تحقیقات دامپروری کشور با همکاری مراکز دانشگاهی، اجرایی و تحقیقاتی اولین سمینار پژوهشی گوسفند و بز کشور را در زمینه‌های پرورش؛ اصلاح نژاد، تولید مثل، تولیدات دامی و تغذیه در روزهای ۲۸ و ۲۹ بهمن ماه ۱۳۷۵ برگزار نمود.

هدف از برپایی این سمینار مشخص نمودن اولویتها و تعیین خط مشی‌های تحقیقاتی و ساماندهی به تحقیقات بخش گوسفند و بز کشور و همچنین آشنایی متخصصین و دست‌اندرکاران با فعالیتهای پژوهشی انجام شده در جهت رفع نیازهای جامعه اسلامیمان به تولیدات دامی بود.

در این سمینار تعداد ۳۳ نفر از کارشناسان مراکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استانها (۱۶۵ نفر)؛ اعضای هیئت علمی دانشگاهها (۷۲ نفر)؛ کارشناسان معاونتهای امور

بسته‌بندی، حمل و نقل، ذخیره‌سازی، بازاریابی و عرضه فرآورده‌های مختلف دامی نیز مورد توجه پژوهشگران و محققین قرار گیرد.

۱۰- آموزش نظام دما در برنامه درسی کارشناسی و ایجاد کرایس مدیریت پرورش گوسفند و بز در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری مورد توجه قرار گیرد.

۱۱- ضمن تأکید بر ضرورت چنین سمینارهایی تا تشکیل کنگره پژوهشی تولیدات دامی، دومین سمینار پژوهشی گوسفند و بز در سال ۱۳۷۷ برگزار شود.

۱۲- سناد هماهنگی برنامه‌ریزی و توسعه پایدار گوسفند و بز با مشارکت دستگاه‌های تحقیقاتی، آموزشی، ترویجی، اجرایی و بهره‌برداران در مؤسسه تحقیقات دامپروری کشور بزودی تشکیل و مسائل مبتلا به گوسفند را مورد توجه و پیگیری قرار دهند.

امید است که نتایج به دست آمده از سمینار که حاصل هم اندیشی خرمندان شرکت کنندگان بود بتواند بعنوان راهنمای عمل محققین به مسئولین و برنامه‌ریزان در راستای توسعه بخشی دامپروری علی‌الخصوص گوسفند و بز قرار گیرد.

شکی نیست که ارائه منظم این چنین نشست‌های پژوهشی و پیگیری اجرای نتایج آن می‌تواند ضامن هماهنگی بیشتر بین بخش‌های مختلف تحقیقاتی دانشگاهی، اجرایی، ترویجی و نهایتاً بخش خصوصی و همچنین توسعه بخش گوسفند و بز قرار گیرد.

در خاتمه ضمن با ارزش خواندن دستاوردهای اولین سمینار پژوهشی گوسفند و بز کشور، جهت ارج نهادن و تجلیل از محققین و کارشناسانی که با فعالیتهای پیگیر خود زمینه‌های استقلال و خودکفایی کشور در مواد غذایی و فرآورده‌های دامی را فراهم می‌آورند مقالات آنان در شماره‌های مختلف فصلنامه علمی، تحقیقاتی پژوهش و سازندگی به چاپ خواهد رسید. ابتدا کلیه مقالات پوستری و سپس مقالاتی که به صورت سخنرانی ارائه شدند انتشار خواهد یافت.

مقایسه مصرف اختیاری و هضم مواد مغذی یونجه، ذرت سیلو شده، کاه گندم و کاه غنی شده در گوسفند و بز

● آشور محمد قره باش

عضو هیات علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

با توجه به محدودیت منابع غذایی و مشکلات تغذیه دام کشور، پی بردن به اختلافات در قابلیت استفاده و ضریب تبدیل غذایی در بین گونه‌های دام مانند گوسفند و بز که در شرایط تقریباً یکسان پرورش داده می‌شوند، جهت استفاده مطلوب از این منابع اهمیت زیادی دارد. لذا جهت پی بردن به اختلاف در قدرت هضم و بازده استفاده گوسفند و بز از مواد علوفه‌ای باکیفیت‌های متفاوت شامل یونجه خشک (مرغوب)، ذرت سیلو شده (نسبتاً مرغوب)، کاه گندم و کاه گندم غنی شده (نامرغوب) این مطالعه انجام گرفت. جهت انجام آزمایش از ۳ رأس قوچ جوان و ۳ رأس بز نر جوان اخته شده که داخل قفس‌های متابولیکی انفرادی نگهداری می‌شدند استفاده گردید و میانگین‌هایی با روش آماری آزمون تی مورد مقایسه و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. قابلیت هضم ماده خشم، ماده آلی، پروتئین خام، لیاف خام، غلظت انرژی قابل هضم (مکاکالری در کیلوگرم ماده خشک) و مجموع مواد مغذی قابل هضم

(درصد) در تمام انواع علوفه مورد آزمایش در بز بالاتر از گوسفند بود. ولی اختلاف معنی دار بین دوگونه فقط در میانگین قابلیت هضم لیاف خام وجود داشت ($P < 0.05$). میزان مصرف اختیاری ماده خشک (کیلوگرم در روز)، ماده خشک مصرفی نسبت به وزن زنده (درصد) و ماده خشک مصرفی (گرم) در مقابل هر کیلوگرم وزن متابولیکی مواد علوفه ای مورد آزمایش در بز بالاتر از گوسفند بودند ولی اختلاف آماری معنی دار فقط در میانگین درصد ماده خشک مصرفی به وزن زنده و ماده خشک مصرفی در مقابل هر کیلوگرم وزن متابولیکی بین گوسفند و بز برای علوفه یونجه و ذرت سیلو شده ($P < 0.05$) و کاه گندم و کاه گندم غنی شده ($P < 0.01$) مشاهده گردید.

استفاده از پوسته تخم پنبه غنی شده با اوره در جیره بره‌های نر پروراری «زل»

● بهروز سجادی خشکرودی

کارشناس مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام‌زندانان

● منصور رضانی، عضو هیات علمی دانشگاه مازندران

به منظور بررسی جایگزینی پوسته تخم پنبه غنی شده با محلول اوره (۵٪) بجای یونجه خشک در جیره بره‌های پروراری زل با استفاده از نسبت‌های ۵، ۱۰، ۱۵ و ۲۰ درصد در ماده خشک جیره، جیره‌هایی با انرژی و مواد مغذی یکسان تنظیم و در قالب یک آزمایش کاملاً تصادفی با ۵ جیره آزمایشی و ۱۵ تکرار (بصورت گروهی) به ۷۵ رأس بره نر زل بمدت ۹۸ روز تغذیه گردید. میانگین افزایش وزن روزانه در جیره شاهد (بدون پوسته تخم پنبه)، و جیره‌های حاوی ۵، ۱۵ و ۲۰ درصد پوسته تخم پنبه غنی شده از نظر آماری اختلاف معنی داری را نشان نداد. نتایج حاصله از تجزیه لاشه در پایان آزمایش اختلاف معنی داری بین جیره‌های فوق را نشان نداد. این تحقیق نشان داد استفاده از پوسته تخم پنبه غنی شده با محلول اوره از پنج تا ۲۰ درصد در جیره از نظر اقتصادی مقرون به صرفه بوده و توصیه می‌گردد.

استفاده از سطوح متفاوت آزولای سیلو شده در تغذیه گوسفندان بومی گیلان

● مسعود افضل، عضو هیات علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان ● سید مظفر سید مهدی‌زاده، عضو هیات علمی مؤسسه تحقیقات دامپروری کشور ● حسن فضائی، استاد دانشگاه تهران - دانشگاه کشاورزی کرج ● رمضان حسین پور، رئیس مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام گیلان ● یعقوب معصوم پور، کارشناس مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام گیلان

به منظور تعیین ارزش غذایی آزولا تحقیقی بر روی ۵۷ رأس گوسفند بومی گیلان (در سه گروه ۱۹ راسی) اجرا شد، در این پروژه ۳ جیره آزمایشی حاوی سطوح ۰، ۲۰ و ۴۰ درصد آزولا سیلو شده با فرمول (علف آزولا، سیوس برنج، کاه برنج، ملاس به ترتیب با ۸، ۷/۵، ۷/۵ و ۵ درصد ماده خشک) به همراه یونجه و کنسانتره در قالب یک طرح کاملاً تصادفی به مدت ۹۰ روز مورد آزمایش قرار گرفت. در این پژوهش خوراک

مصرفی روزانه بصورت گروهی و اضافه وزن روزانه بصورت انفرادی اندازه‌گیری شد. تجزیه کوواریانس داده‌های بدست آمده نشان داد که بین اضافه وزن روزانه در جیره‌های آزمایشی مورد نظر تفاوت معنی داری وجود نداشت، به عبارت دیگر هر یک از جیره‌ها ارزش غذایی یکسانی را دارند و محاسبه هزینه‌های خوراک مصرفی به ازای یک کیلوگرم افزایش وزن زنده با آزمون دانکن در سطح ۵ درصد تفاوت معنی داری بین جیره‌های آزمایشی نداشت، ولی متوسط هزینه‌های خوراک مصرفی در جیره‌های حاوی ۰، ۲۰ و ۴۰٪ آزولای سیلو شده به ترتیب ۵۲۸، ۵۱۶۶ و ۴۷۹۳ ریال بود.

تأثیرات دو شیوه پشم چینی قبل از زایش و سنتی روی تولید و درآمد حاصله از یک گله میش دورگ بردرلیسیستر × رامنی

● نجفقلی دبیری، استادیار بخش علوم دامی مجتمع عالی آموزشی و پژوهشی رامین (ملاطانی) دانشگاه شهید چمران اهواز

تأثیرات دو شیوه پشم چینی قبل از زایش و سنتی (بعد از شیرگیری) روی تولید، نکات مدیریتی و درآمد اقتصادی میش در شرایط چرای آزاد بحالت تجارتهای در زلاندنو در طی سه سال مورد مطالعه قرار گرفت. در پانز سال ۱۹۸۹ تعداد ۵۰۰ رأس میش بالغ از یک گله گوسفند ۵۰۰ رأسی نژاد بردرلیسیستر × رامنی دانشگاه ماسی کشور زلاندنو انتخاب و بطور تصادفی به دو دسته مساوی تقسیم شدند. هر دو گروه تحت مدیریت یکسانی تا تابستان ۱۹۹۱ قرار گرفتند. در طی آزمایش یک گروه پس از شیرگیری در اواخر بهار و گروه دوم قبل از زایش در اواسط زمستان پشم چینی شدند. وزن میشها و عملکرد بره‌ها در طی سه سال اندازه‌گیری شد و پشم هر میش طی دو سال کامل وزن کنی شد. قبل از زایش وزن زنده میشها در تمام سالها یکسان بود، در صورتیکه بعد از شیرگیری فقط در سال ۱۹۸۹ وزن زنده میشهایی که قبل از زایش پشم چینی شده بودند بیشتر بود. در سال ۱۹۹۰ وزن پشم سالیانه برای میشهایی که پشم چینی قبل از زایش شده بودند بطور معنی داری ($P < 0.05$) بیشتر بود (کیلوگرم 6.4 ± 3.7 در مقابل 9.6 ± 4.7) در صورتیکه در سال ۱۹۹۱ تفاوت آماری از نظر وزن پشم سالیانه بین دو سیستم پشم چینی مشاهده نشد (کیلوگرم 9.6 ± 3.7 در مقابل 8.8 ± 3.6). از نظر وزن تولد بره‌ها، زنده ماندن بره‌های متولد شده تا زمان قطع دم، وزن شیرگیری بره‌ها و تلفات میشها تفاوت معنی داری بین دو شیوه مشاهده نشد. تفاوت کم و عملکرد میشها در این دو شیوه بیانگر این است که عوامل مدیریتی مثل تهیه غذا و جایگاه بعد از پشم چینی، توزیع کار و درآمد خالص حاصله از هر میش میتوانند نقش زیادی در تثبیت این شیوه پشم چینی داشته باشند و در مجموع نتایج این آزمایش نشان می‌دهد که تحت شرایط گوسفنداری زلاندنو و احتمالاً سایر نقاط دنیا که شرایط مشابهی دارند تغییر پشم چینی سنتی به شیوه پشم چینی قبل از زایش مفید می‌باشد.

بررسی توسعه دامپروری عشایر ایل قشقایی در برنامه اسکان در دشت بکان فارس

● عبدالحمید کریمی، کارشناس مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام فارس ● نصرالله سفید بخت، استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز ● عباس عبدالمی پناه، استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز

استان فارس یکی از مناطق عشایرنشین کشور با مساحتی بالغ بر ۲۴ هزار کیلومتر مربع در جنوب ایران قرار دارد. طبق آمار حاصله حدود ۱۳ میلیون رأس گوسفند و بز در استان پرورش داده می‌شود که حدود ۳٪ بز و ۱٪ گوسفند کشور را شامل می‌شود، بالغ بر ۴٪ جمعیت گوسفندی استان در بخش عشایری قرار دارد. جمعیت ایل قشقایی ۵۸/۵٪ جمعیت عشایری استان می‌باشد که این ایل ۶۲/۷٪ از دام عشایر را دار است. بررسی تاریخچه زندگی عشایری از گذشته تا به حال نشانگر این واقعیت است که با گذشت زمان به دلایل مختلف مشکلات آنها رو به افزایش گذاشته است. تا حدی که فشار روزمره زندگی عشایر، به طور مستمر آنان را وادار به اسکان بی رویه و اجباری به ویژه در حاشیه شهرها کرده است. برای حل این مشکل عشایر، در برنامه واکنداری مراتع و اسکان در نظر گرفته شده است. هدف از این مطالعه بررسی وضعیت اسکان عشایر داوطلب در منطقه دشت بکان و ارائه الگوی مناسب برای هر خانوار عشایری در راستای کشاورزی پایدار می‌باشد. در استان فارس دشت بکان از جمله اولین نقاطی است که بر اساس اسنادهای طبیعی جهت برنامه اسکان انتخاب گردیده است. این دشت برای اسکان ۳۵ خانوار در نظر گرفته شده است در این طرح به هر خانوار ۱۰ هکتار زمین در قالب گروههای ۹ نفره مشاع واگذار گردیده است. افزون بر آن برای هر خانوار عشایری حدود ۴۰ هکتار اراضی مرعی در نظر گرفته شده است. به خانوارهای عشایری توصیه گردیده است که میانگین گله هر خانوار از ۲۰۰ رأس معمول، قبل از اسکان به ۵۰ رأس کاهش یابد در ضمن در این طرح کوشش بعمل آمده است تا با توجه به تقویم، دسترسی به منابع تأمین علوفه دامی از قبیل مرتع و پس چر محصولات زراعی، تاریخ جفتگیری و در نتیجه زایش گله به نحوی تنظیم و انجام پذیرد که تغذیه دستی به عنوان مکمل به حداقل کاهش یابد. به این ترتیب در الگوی پیشنهادی در این طرح سعی بر این بوده است که از تلفیق زراعت، دام و مرتع به مقادیر فوق الذکر یک واحد اقتصادی حاصل شود که درآمد آن بتواند تکافوی هزینه لازم برای زندگی یک خانوار اسکان یافته عشایری را بنماید.

بررسی اثرات تزریق GnRH بر عملکرد تولید مثلی میشهای نژاد بلوچی در خارج از فصل تولید مثل

● علیرضا هروی موسوی، مربی گروه علوم دامی دانشکده کشاورزی - دانشگاه فردوسی مشهد ● محمد جواد ضمیری، دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز

اثر هورمونهایی آزاد کننده گنادوتروپین‌ها (GnRH) بر تخمک‌ریزی توسط محققین زیادی گزارش شده است. به منظور بررسی اثرات تزریق GnRH بر عملکرد تولید مثلی میشهای استروس شیده (n=20) و غیر شیده (n=16) نژاد بلوچی این آزمایش انجام شد. نازمان شروع آزمایش دست کم

بز مرغز

● محمد خضری، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات و منابع طبیعی استان کردستان

بز مرغز مهم‌ترین دام از نظر الیاف پوششی در کشور بوده و بومی استان کردستان، نواحی از استانهای آذربایجان غربی و کرمانشاه می‌باشد. هدف اصلی از پرورش آن تولید الیاف پوششی است که در کارگاههای محلی برای تهیه انواع البسه خاص منطقه ای کاربرد دارد. از خصوصیات قابل توجه الیاف استحصالی، مقاومت آن در مقابل اشعه گامای موجود در نور خورشید است که آن را از دیگر الیاف حیوانی متمایز می‌سازد. بز مرغز با بدنی پوشیده از کرک با موهر، دامی منحصر به فرد در ایران می‌باشد که نسبت بالای الیاف پوششی به موی آن چشمگیر است. در مورد منشأ بز مرغز اختلاف نظر وجود دارد: عده ای آنرا حاصل تلاقی بز انقوره ترکیه و بز بومی کردستان دانسته و گروهی نیز آن دو را از هم جدا می‌دانند، ولی آنچه مسلم است در آنالیز الیاف پوششی بز مرغز، نشان از فاکتورهای کشمیر و موهر وجود دارد و می‌توان این احتمال را که بز انقوره همان بز مرغز اصلاح شده است با توجه به شباهتهای فنوتیپی پذیرفت، هر چند تاکنون در این زمینه تحقیق اساسی انجام نگرفته است. بر اساس آخرین اطلاعات موجود این دام در استان کردستان حدود ۱۸۰۰۰ رأس، در استان آذربایجان غربی ۷۰۰۰ - ۸۰۰۰ رأس و در استان کرمانشاه حدود ۱۰۰۰ رأس می‌باشد. بز مرغز حیوانی است چابک و زرتک با جنه ای کوچک و سرمثنی شکل با حدقه چشم برجسته، چشمها به رنگهای مختلف، پوزه باریک، گوشهای صاف، سینه کم عمق، پشت تقریباً صاف، باها باریک و کوتاه و در عین حال قوی، شاخ در بز نر قوی و ضخیم و دارای پجش زیاد می‌باشد اما در جنس ماده انحنای شاخ ملایم است. برخی از خصوصیات تولیدی:

۱- باروری	۹۵٪
۲- دوفلوزایی	۲۶/۴٪
۳- میزان شیردهی در یک دوره شیردهی (لیتر)	۹۰
۴- راندمان الیاف	۷۸٪
۵- طول تار الیاف (سانتیمتر)	۱۵-۱۴
۶- قطر تار	۴۰-۲۵
۷- متوسط وزن الیاف (گرم)	در نر ۷۹۴
۸- وزن در بدو تولد (کیلوگرم)	۵۵۷
در نر ۲/۸۳	در ماده ۲/۶۲
۹- وزن در شش ماهگی (کیلوگرم)	
در نر ۱۳/۵۳	در ماده ۱۱/۱۷
۱۰- وزن در یکسالگی (کیلوگرم)	
در نر ۲۵/۳۴	در ماده ۲۰/۳۵
۱۱- وزن بز بالغ (کیلوگرم)	در نر ۳۵-۳۲
در ماده	۳۰-۲۵

لازم به توضیح است که در صورت انجام تحقیقات زیربنایی در زمینه های اصلاح نژادی، کرک این دام از لحاظ کیفیت و مرغوبیت، قادر به رقابت با کرک تولید دیگر کشورهای در بازارهای جهانی می‌باشد.

افزایش وزن روزانه از تولد تا شیرگیری مربوط به دوسال ایستگاه پرورش و اصلاح نژاد گوسفند لری بختیاری، بمنظور برآورد اثرات عوامل محیطی، وراثت پذیری و همبستگی های فنوتیپی و ژنتیکی بین صفات مورد استفاده قرار گرفت. سن مادر تأثیر کاملاً معنی داری روی صفات قبل از شیرگیری داشت (P < 0/01). وزن تولد و وزن از شیرگیری بره های حاصل از میشهای دو ساله نسبت به بره های متولد شده از میشهای ۳ تا ۶ و ۷ ساله به طور معنی داری کمتر بود (P < 0/01). بره های نر در مقایسه با بره های ماده به طور مشخصی دارای وزن تولد (۴/۷۹۹ در برابر ۴/۵۵۵ کیلوگرم)، وزن شیرگیری (۲۸/۰۹۹ در برابر ۲۵/۶۲۲ کیلوگرم) و افزایش وزن روزانه از تولد تا شیرگیری (۲۴۸/۸۲ در برابر ۲۲۴/۴۲ گرم) بیشتر بودند. سطوح معنی دار بر روی شیر و مقایسه بره های تک قلو با بره های دو قلو نشان داد که وزن تولد، وزن از شیرگیری و افزایش وزن روزانه از تولد تا از شیرگیری بره های تک قلو (به ترتیب ۵/۱۴، ۲۹/۷۹، ۲/۲۶۳ کیلوگرم) بطور مشخصی بیشتر از بره های دو قلو (به ترتیب ۴/۲۰، ۲۳/۹۲ و ۲/۲۱ کیلوگرم) بود. سال تولد بره تأثیر بسیار معنی داری روی صفات قبل از شیرگیری داشت (P < 0/01). وراثت پذیری صفات وزن تولد، وزن از شیرگیری و افزایش وزن روزانه از تولد تا از شیرگیری به ترتیب ۰/۰۸۲ ± ۰/۱۱۸، ۰/۰۸۸ ± ۰/۱۱۸ و ۰/۰۷۹ ± ۰/۰۷۵ بود.

همبستگی فنوتیپی و ژنتیکی بین صفات وزن تولد، وزن از شیرگیری به ترتیب ۰/۲۴۲ و ۰/۴۶۰، وزن تولد، افزایش وزن روزانه از تولد تا شیرگیری به ترتیب ۰/۱۲۶ و ۰/۳۸۳، و وزن از شیرگیری - افزایش وزن روزانه از تولد تا شیرگیری به ترتیب ۰/۹۹۴ و ۱/۰۱۱ برآورد گردید.

دو رگ گیری بین گوسفند وحشی و گوسفند فراهانی

● سید داود حسینی، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات جهاد استان مرکزی ● نعمت الله اسدی، کارشناس مرکز تحقیقات جهاد استان مرکزی ● شرفعلی میرزائی، کارشناس مرکز تحقیقات جهاد استان مرکزی ● یوسف جعفری آهنگری، عضو هیأت علمی بخش بیوتکنولوژی مؤسسه تحقیقات دامپروری کشور ● منوچهر منعم، عضو هیأت علمی بخش تحقیقات گوسفند و بز مؤسسه تحقیقات دامپروری کشور.

این پروژه بمنظور ایجاد یک نژاد با صفات برتر، همچون راندمان بالا، مقاومت به محیط و بیمار بها، نداشتن دنبه و چربی اضافه صورت گرفته است. برای انجام آن از روش انزال الکتریکی و تلقیح مصنوعی بین گوسفند وحشی و گوسفند فراهانی استفاده شده است. نتایج حاصل از این طرح ۱۷ رأس بره دورگ با وزن تولد حدود ۳/۸ کیلوگرم، اندامی کشیده دست و پای بلند، رنگهای سیاه، قهوه ای و سفید، گوشهای تیز و فاقد دنبه می‌باشد. پوست دورگه ها از استحکام بیشتر و الیاف پشم آنها از قطر بسیار کمتری (حدود ۱۳ میکرون) نسبت به گوسفندان فراهانی (حدود ۲۲ میکرون) برخوردار است. رفتار این دورگه ها نسبتاً نیمه وحشی می‌باشد و به مرور با افزایش سن اهلی تر می‌شوند. انجام طرح با بهره گیری از روشهای جدیدتر و بر روی تعداد گوسفندان بیشتری ادامه دارد.

۲۵ روز از آخرین زایش میشها گذشته بود. میشها، بر اساس سن و تعداد زایش در چهار گروه آزمایشی قرار گرفتند. برای همزمان سازی فحلی از مدروکسی پروژسترون اسنات استفاده شد. هفتاد و دو ساعت پس از آخرین تزریق، یک آنالوگ GnRH و به میشهای گروه شاهد محلول فیزیولوژیک نمک طعام تزریق شد. پس از آخرین تزریقات، ۵ راس کوچ بلوچی بارور وارد گله شدند تا به صورت تصادفی با میشهای جفتگیری نمایند. به منظور بررسی فعالیت جسم زرد، نمونه های خونی تهیه و پروژسترون آنها اندازه گیری شد. غلظت پروژسترون در نمونه های خون محیطی میشهای بروز دهنده فحلی، غیر قابل تشخیصی (کمتر از ۰/۴ نانوگرم در میلی لیتر) بود. تفاوت معنی داری در بروز فحلی میشهای شیرده و غیر شیرده گروه GnRH و شاهد مشاهده نشد و تزریق GnRH سبب کاهش پراکنندگی بروز فحلی در میشهای شیرده و غیر شیرده نسبت به میشهای گروه شاهد گردید. علاوه بر این شیردهی، در میشهای شیرده (گروه GnRH و شاهد) باعث پراکنده تر شدن بروز فحلی نسبت به میشهای غیر شیرده شد و تزریق GnRH در میشهای شیرده باعث بروز سریعتر فحلی پس از پایان تزریقها نسبت به گروه شاهد گردید. تزریقات GnRH سبب عملکرد طبیعی جسم زرد و ایستنی در هیچیک از میشها شیرده و غیر شیرده نگردید. در هیچیک از میشهای شیرده و غیر شیرده شاهد نیز عملکرد طبیعی جسم زرد و ایستنی مشاهده نشد. فازهای لوتال کوتاه در دو میش از هفت میش غیر شیرده که GnRH دریافت کرده بودند، دیده شد. میزان بروز فاز لوتال کوتاه در اثر تزریقات GnRH، ۲۵ درصد و مدت زمان بین بروز دو فحلی پی در پی ۱ روز بود. مهمترین علت عدم تخمکریزی، عملکرد طبیعی جسم زرد و بقای ایستنی در این آزمایش، احتمالاً بدلیل استفاده از شکل تزریقی و بلند اثر مدروکسی پروژسترون اسنات بود. مطالعات بیشتر برای شناخت بهتر علت‌های عدم موفقیت GnRH در این آزمایش توصیه می‌شود.

افزایش چند قلو زایی با استفاده از هورمونهای پروژسترون و هورمون گونادوتروپین سرم مادایان ایستنی

• فریدون امینی، عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات دامپروری کشور

این طرح در سال ۱۳۹۴ در بخش مطالعات گوسفند و بز مؤسسه تحقیقات دامپروری بر روی یک گله از گوسفندان مغانی، آرخامربنوس و دورگه F1 آرخامربنوس مغانی انجام گرفته است.

میشهای موجود در این طرح به چهار گروه تقسیم شدند. اعمال انجام شده و نتایجی که به دست آمده بشرح زیر می‌باشد گروه اول یا گروه شاهد: تعداد گوسفندان ۱۴ راس، نژاد آنها ۵ راس مغانی، ۴ راس آرخامربنوس و ۵ راس مرینوس مغانی F1 بودند. جفتگیری بصورت طبیعی انجام گرفت و تولید ۱۲ راس بره نموده و یا به عبارتی ۸۶٪ بره زایی داشتند. گروه دوم: تعداد گوسفندان ۵ راس نژاد آنها آرخامربنوس، در این گروه بمدت ۱۴ روز از پروژسترون به ازای ۱ میلی گرم در روز جهت همزمانی استفاده شد. در روز دوازدهم تزریق پروژسترون ۵۰۰ واحد بین المللی فولیکان (هورمون گونادوتروپین سرم مادایان ایستنی (PMSG) جهت سوپروولاسیون تزریق گردید. این گروه تولید ۴ راس بره نمودند یا به عبارتی ۸۰٪ بره زایی داشتند. گروه سوم تعداد گوسفندان ۵ راس نژاد آنها مرینوس

مغانی F1. در این گروه ۱۴ روز از پروژسترون به ازای هر روز ۱ میلی گرم جهت همزمانی استفاده شد. در روز دوازدهم تزریق پروژسترون ۱۰۰۰ واحد بین المللی فولیکان تزریق گردید. این گروه تولید ۶ راس بره نمودند یا به عبارتی ۱۲٪ بره زایی داشتند. گروه چهارم: تعداد گوسفندان ۵ راس نژاد آنها مغانی. در این گروه ۱۴ روز از پروژسترون به ازای ۱ میلی گرم در روز جهت همزمانی استفاده شد و در روز دوازدهم تزریق پروژسترون ۱۰۰۰ واحد بین المللی فولیکان جهت سوپروولاسیون تزریق گردید. این گروه تولید ۱۱ راس بره نمودن (یک راس چهارقلو، یک راس سه قلو، یک راس دو قلو و یک راس یک قلو) یا عبارتی ۲۲٪ بره زایی داشتند. داده ها به روش آماري حداقل مربعات آنالیز گردیدند و طبق نتایج بدست آمده نژاد روی باروری اثر نداشته در صورتی که دز دارویی روی باروری اثر معنی داری را نشان داد (P < ۰/۰۵).

بررسی تأثیر استفاده از تفاله زیتون کم چربی در جیره های بره های نر در حال رشد

• علیرضا جعفری صیادی، عضو هیأت علمی گروه علوم دامی دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان • ابوالقاسم اوحدی حائری، عضو هیأت علمی دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان

تفاله زیتون را می‌توان جایگزین قسمتی از منابع علوفه ای جیره نمود و با توجه به کمبود علوفه در سراسر کشور، بخشی از نیازهای خوراکی دامها را تأمین نمود. در این آزمایش تفاله زیتون با درصد های متفاوت جایگزین منبع علوفه ای جیره گردید. تعداد ۱۶ بره نر دورگه (شال × زل) با میانگین ۲۲۸ ± ۹ روزگی و میانگین وزن ۱/۶۵ ± ۲۱/۳۵ کیلوگرم، طی سه دوره ۲۵ روزه با تفاله زیتون کم چربی به عنوان جانشین با یونجه تحت چهار تیمار غذایی (سطوح ۰، ۲۵، ۵۰ و ۷۵ درصد جایگزینی با یونجه) و چهار تکرار در قالب طرح کاملاً تصادفی تغذیه شدند. نوع و مقدار کنسانتره در جیره در تمام تیمارها یکسان در نظر گرفته شد. این آزمایش طی سه دوره ۲۸ روزه انجام گردید. در پایان هر دوره مصرف غذا و افزایش وزن اندازه گیری می‌گردید. در انتهای آزمایش از هر تکرار دو بره به طور تصادفی جهت تعیین راندمانهای وزن لاشه، لاشه خالی، معده چهار قسمتی و شکمبه ذبح گردیدند. بیشترین مصرف غذا در مورد ۵۰ درصد جایگزینی تفاله زیتون با یونجه به دست آمد که تفاوت آن با جیره شاهد و جیره ۷۵ درصد جایگزینی تفاله زیتون با یونجه معنی دار بود (P < ۰/۰۵). بیشترین افزایش وزن با جیره ۲۵ درصد جایگزینی تفاله زیتون با یونجه و کمترین افزایش با جیره ۷۵ درصد جایگزینی تفاله زیتون بدست آمد و تفاوتها معنی دار بود (P < ۰/۰۵). جایگزینی ۲۵ درصد تفاله زیتون با یونجه باعث کمترین ضریب تبدیل و جایگزینی ۷۵ درصد تفاله زیتون با یونجه موجب بیشترین ضریب تبدیل گردید که اختلاف بین آنها معنی دار بود (P < ۰/۰۵). وزن لاشه، لاشه خالی، معده چهار قسمتی و شکمبه تحت تأثیر جیره های بکار برده شده قرار نگرفتند.

اثر وزن کشتار و سطوح انرژی جیره روی خصوصیات لاشه گوسفندانی نر نژاد لری بختیاری

• غلامرضا شادنوش، کارشناس ارشد مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان چهارمحال و بختیاری • محمد علی ادریس، دانشیار گروه دامپروری دانشگاه صنعتی اصفهان • غلامرضا قربانی، دانشیار گروه دامپروری دانشگاه صنعتی اصفهان

در این بررسی خصوصیات فیزیکی و شیمیایی لاشه ۵۲ رأس بره نر یک قلو لری بختیاری در سه وزن کشتار ۱ ± ۰/۴۵، ۱ ± ۰/۵۲/۵۲ و ۱ ± ۰/۶۰ کیلوگرم و دو سطح انرژی LSME و SME به ترتیب به میزان ۲/۶۴ و ۲/۴ مگا کالری انرژی متابولیسم بر کیلوگرم ماده خشک مورد مطالعه قرار گرفت. میانگین حداقل مربعات و خطای معیار بازده لاشه نشان داد که سطوح وزن کشتار و انرژی جیره اثر معنی داری روی بازده لاشه نداشت. میانگین حداقل مربعات سطح مقطع عضله راسته و ضخامت چربی پشت تحت وزنهای کشتار ۰/۴۵، ۵۲/۵ و ۰/۶۰ کیلوگرم به ترتیب ۱۸/۶، ۱۷/۸، ۱۵/۸۵، ۱۷/۸، ۱۵/۸۵ سانتیمتر مربع (۰/۱۷ ±) و ۲/۱۷، ۲/۱۴، ۵/۵۸، ۴/۱۴ میلی متر (۰/۵۲ ±) و تحت سطوح انرژی SME، LSME به ترتیب ۱۷/۸۸ و ۱۶/۸۷ سانتیمتر مربع (۰/۵۵ ±) و ۴/۴، ۳/۷۸، ۳/۴ میلی متر (۰/۴۲ ±) بود. اختلاف میانگین ها جهت سطح مقطع ماهیچه راسته و ضخامت چربی پشت بین وزن ۴۵ و ۰/۶۰ کیلوگرم معنی دار بود (P < ۰/۰۵)، اما میانگین صفات مذکور تحت اثر انرژی جیره اختلاف معنی دار نداشتند. میانگین حداقل مربعات درصد قطعات دست و ران در وزن کشتار ۴۵ و ۰/۶۰ کیلوگرم به ترتیب: ۱۶/۱۲، ۱۵/۱۱ (۰/۲۲ ±) و ۲۵/۶۸، ۲۶/۸۱ (۰/۳۶ ±) که اختلاف های مذکور معنی دار است (P < ۰/۰۵). میانگین حداقل مربعات درصد گوشت، استخوان و چربی زیر جلدی در وزن کشتار ۴۵ و ۰/۶۰ کیلوگرم به ترتیب: ۵۲/۳۹، ۴۷/۱۵ (۰/۸۲ ±) و ۱۵/۶۰، ۱۳/۷۸ (۰/۴۶ ±) و ۱۲/۵۹، ۱۲/۰۱ (۰/۱۲ ±) بود که بین آنها اختلاف معنی داری وجود دارد (P < ۰/۰۵). ولی تحت سطوح انرژی جیره بین درصد صفات مذکور اختلاف معنی داری مشاهده نشد. بین وزن کشتار ۴۵ با اوزان کشتار ۰/۶۰ کیلوگرم اختلاف معنی داری برای درصد ماده خشک، چربی خام، خاکستر و رطوبت لاشه بدون استخوان وجود داشت (P < ۰/۰۵). با افزایش وزن کشتار درصد ماده خشک و چربی خام لاشه بدون استخوان بطور معنی داری افزایش و درصد خاکستر و رطوبت بطور معنی داری (P < ۰/۰۵) کاهش، ولی ترکیب شیمیایی لاشه تحت سطوح انرژی جیره اختلاف معنی داری نشان نداد.

بررسی اثر فصل جفتگیری بر غلظت ویتامین A در پلاسماي خون گوسفند شال

• اکبر اسدیان اصفهان، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام سازمان جهاد سازندگی اصفهان • سید احمد میرهادی، دانشجوی دوره دکتری علوم دامی دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس • متوجه معنم، عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات دامپروری • محمد خورش، عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات دامپروری کشور • حسن فضالی، مربی گروه علوم دامی دانشگاه صنعتی اصفهان

ویتامین A می‌تواند در تولید مثل حیوانات نقش مهمی

داشته باشد. در این راستا با استفاده از ۶ رأس میش غیر آبستن و ۶ رأس قوچ ۴-۳ ساله نژاد شال (با وزن ۷۰-۶۰ کیلوگرم)، غلظت ویتامین A در پلاسماي خون آنها در فصول مختلف مورد بررسی قرار گرفت. به مدت یکسال و بطور ماهیانه از رگ کردن این دامها خونگیری به عمل آمد. در طول آزمایش کوسفندان دو جنس جداگانه در جایگاه نیمه باز نگهداری و از جیره دارای ترکیب یکسان جهت تأمین نیاز نگهداری آنان استفاده شد. غلظت ویتامین A در پلاسماي خون کوسفندان مورد آزمایش به روش کروماتوگرافی مایع با کارایی عالی و میزان بناکاروتن مصرفی با روش A.O.A.C. اندازه گیری گردید. نمونه گیری خوراک ماهیانه انجام و مصرف روزانه بناکاروتن به ازاء هر رأس کوسفند برابر $0.43 \pm 1.8/1$ میلی گرم بود. نتایج نشان داد که غلظت ویتامین A در پلاسماي خون میش ها و قوچ ها در فصل بهار دارای کمترین میزان به ترتیب 442 ± 6 و 436 ± 6 میکروگرم در لیتر بود. بیشترین غلظت ویتامین A در میش ها در فصل پائیز به مقدار 467 ± 5 و در قوچ ها در تابستان به میزان 471 ± 5 میکروگرم در لیتر مشاهده شد. همچنین غلظت ویتامین A در پائیز (46 ± 4) در پلاسماي خون قوچها در مقایسه با بهار افزایش معنی داری داشتند $(P < 0.05)$ ، بطور کلی غلظت ویتامین A در پلاسماي خون میش و قوچ در فصول پاییز و زمستان از بطور معنی داری بالاتر از بهار بود $(P < 0.05)$. لذا غلظت بیشتر این ویتامین با دوران جفتگیری مطابقت داشته زیرا در فصل پائیز تا اوایل زمستان ۸۰ درصد کوسفندان ایران در شرایط جفتگیری خود بسر می‌برند. غلظت پائین این ویتامین در بهار نیز حاکی از وجود مکانیسم ذخیره سازی این ویتامین در فصول قبل از شروع جفتگیری می‌باشد. ذخیره کبدي به کمک تولید بیشتر پروتئین حامل رتینول غلظت ویتامین A را در پلاسماي خون در فصل جفتگیری افزایش می‌دهد. مقایسات فصلی همچنین نشان داد که غلظت های ویتامین A در پلاسماي خون هر دو جنس کوسفند به مقدار زیادی مشابه و از یک الگو تبعیت می‌کند. با این حال غلظت ویتامین A در پلاسماي خون هر دو جنس در تابستان اختلاف معنی دار $(P < 0.05)$ نشان داد. تراکم بیشتر ویتامین A در پلاسماي خون قوچ ها قبل از شروع فصل جفتگیری می‌تواند به علت اختلاف هورمونی جنس نر با جنس ماده باشد. بنابراین اگر کوسفند برای مدت زیادی قبل از زمان جفتگیری از علوفه نا مرغوب استفاده نماید و ذخیره کبدي ویتامین A (و سطح پروتئین جیره) کم باشد، ممکن است غلظت آنر در پلاسماي خون کاهش و تولید مثل را تحت تأثیر خود قرار دهد.

اصلاح ساختار مدیریت دام در مرتع در کرو

تعریف فرصت تولید دام داشتنی عشایری

● عبدالمجید شیخی، عضو هیات علمی وزارت جهاد سازندگی

یکی از ویژگیهای کشورهای در حال توسعه معیشتی بودن بخشی عمده ای از اقتصاد آنها است. وجود مشخصه معیشتی بودن اقتصاد عشایری در کشور سبب می‌شود تا تعریف مشخصی از هزینه فرصت اقتصادی تولید فرآورده های دامی و کشاورزی نداشته باشیم. از طرفی عدم تعریف حقوق مالکانه در منابع طبیعی نیز باعث می‌شود تا دامدار عشایری قائل به سهمی در هزینه های تولید خود در قبال برداشت از مرتع نباشد و بنابراین سود حاصله از نظر وی ما به التفاوت درآمد

فروش و هزینه ای می‌باشد که وی پرداخته، نه هزینه ای که واقعا متحمل اقتصاد نموده است. این مابه التفاوت از نظر علمی همان بهره اقتصادی می‌باشد که بهره بردار بدون پرداخت هیچگونه هزینه ای حیزات کرده است. بر اساس اظهارات کارشناسان، هم اکنون حدود ۲۵ میلیون واحد دامی مربوط به عشایر از مراتع تغذیه می‌شوند که حدوداً چهار برابر ظرفیت بهره دهی علوفه ای مراتع می‌باشند. به همین دلیل در سالهای اخیر مراتع کشور در معرض تخریب جدی قرار گرفته اند. علیرغم وجود این هزینه فرصت برای اقتصادی در مقابل شاهد بهره وری پائین در شیوه دامداری باز عشایری و روستایی می‌باشیم. راه حل اولیه مشکل، تعریف دقیق هزینه تمام شده اقتصادی تولید در این شیوه بهره برداری و تعریف حق مالکانه طبیعی و به ویژه مراتع می‌باشد. یکی از اساسی ترین سیاستهای دولت جمهوری اسلامی حفظ و افزایش تولید در جهت خودکفایی درآمد و عدم وابستگی به خارج است. برای اجرای این سیاست و تعیین قیمت تضمینی بر اساس مبانی علمی دولت ناچار است قیمت تمام شده بنگاهی را، ملاک قیمت تضمینی قرار دهد، که دارای بالاترین منحنی هزینه متوسط باشد. با توجه به عدم استفاده از بهره توسط دامداری بسته ملاک اعلام قیمت تمام شده فرآورده های دامی در این بازار همانا قیمت تمام شده فرآورده های (در اینجا گوشت) تولید صنعتی می‌باشد. این مقاله کوشش میکند تا هزینه تمام شده دام داشتنی عشایری (گوشت کوسفند) را در مقایسه با دام صنعتی برآورد و سهم بهره اقتصادی را تعیین نماید. نتایج نشان می‌دهند که سهم بهره برداری از مواهب طبیعی بیش از ۵۰ درصد قیمت تمام شده واقعی تولید گوشت در روش صنعتی است. این مقدار در واقع بهره ای از عرصه و اعیان مراتع است که نصیب دامدار عشایری شده و در قبال آن هزینه ای نپرداخته است. پیشنهاد می‌شود که برای تولید، قیمت تمام شده دامداری صنعتی ملاک قرار گرفته و در عوض با تعریف حقوق مالکانه از تخریب مراتع جلوگیری به عمل آید. در مقابل برای عشایر راههایی نیز جهت آموزش، ترویج و تغییر نسبی شیوه دامداری باز به بسته، جهت افزایش بهره وری پیش بینی شود. تعریف دقیق هزینه تمام شده و یا هزینه فرصت اقتصادی تولید در شیوه دامداری باز عشایری و روستایی به همراه تعیین دقیق حقوق مالکانه انتقال، فضای تولید را برای دامدار، اقتصادی می‌نماید ابزاری اقتصادی است که دولت را قادر به اعمال سیاست مدیریت بهینه دام در مرتع می‌نماید. زیرا رفتار تولیدکننده را به سوی تولید اقتصادی سوق می‌دهد و نهایتاً تعادل عرضه و تقاضا مواهب طبیعی و مرتعی را برقرار می‌سازد.

مقایسه قدرت پرور و خصوصیات لاشه کوسفند و بز با دو جیره متفاوت

● قربان محمد آنه قره جه، کارشناس مرکز تحقیقات و منابع طبیعی و امور دام گرگان ● آشور محمد قره باش، عضو هیات علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

هدف اصلی پرورش کوسفند و بز در کشور ما تولید گوشت بوده و این دو دام نشخوارکننده اغلب در شرایط اکولوژیکی مشابه و عمدتاً در گله های مخلوط نگهداری می‌شوند. در منابع مختلف خصوصیات رشد و قدرت پرور و لاشه کوسفند و بز مقایسه و در تمام موارد کوسفند بازده بهتری نسبت به بز داشته

است. علاوه بر این مصرف کنندگان نیز گوشت کوسفند را نسبت به بز بهتر ترجیح می‌دهند. اما در کشور ما در مورد قدرت پرور بره و بزغاله پرور کوسفند و بز در سه دوره پرور بندگی متفاوت ۶، ۹ و ۱۲ روزه و با دو سطح تغذیه (آزاد و محدود) در قالب طرح بلوکهای کامل تصافی مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان داد که میانگین افزایش وزن روزانه در کوسفند $2/14$ و در بز $134/08$ گرم بود و بین آنها صرف نظر از اثرات مدت پرور و سطح تغذیه از نظر آماری اختلاف معنی دار وجود داشت $(P < 0.01)$. همچنین افزایش وزن روزانه بین ۶ و ۹ روز پرور معنی دار نبوده، ولی این دو دوره نسبت به ۱۲ روز اختلاف معنی دار داشتند $(P < 0.01)$ و تغذیه آزاد بره ها و بزغاله های پرورای سبب کسب افزایش وزن بیشتر شده است. میانگین ضریب تبدیل غذایی در کوسفند $7/9$ و در بز $9/58$ بوده و بازده غذایی با افزایش مدت پرور به تدریج کاهش یافته ولی اختلاف این صفت در بین سطوح تغذیه اختلاف اندکی داشت. درصد وزن لاشه نسبت به وزن زنده و درصد وزن لاشه نسبت به وزن گوشتی در دوره های پرور و سطوح تغذیه متفاوت در کوسفند بیشتر از بز بود $(P < 0.01)$. همچنین درصد چربی قابل تفکیک لاشه (درصد وزن دنبه و پیه داخلی در کوسفند و درصد وزن پیه داخلی در بز نسبت به لاشه) در کوسفند به مراتب بیشتر از بز بود $(P < 0.01)$. با افزایش طول دوره پرور (بدون در نظر گرفتن گونه دام و سطوح تغذیه) درصد وزن لاشه نسبت به وزن زنده و درصد وزن لاشه نسبت به وزن بدن خالی و نیز درصد چربی لاشه افزایش داشته است. اما اثر سطح تغذیه بر روی صفات لاشه اختلاف آماری معنی دار نشان نداد.

مقایسه راندمان پرورای سه نژاد از نژادهای موجود در پرور بندگیهای کوسفند منطقه قم

● مجید کلاتر، کارشناس مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان قم

در منطقه قم گروههای ژنتیکی مختلف از کوسفندان وجود دارد. از آنجا که تاکنون در زمینه شناخت و مقایسه استعدادهای تولیدی این کوسفندان (بویژه دو نژاد مهم منطقه یعنی زندی و کلکوهی) با کوسفندان غیر بومی (نظیر کردی، لری، افشاری و...) تحقیقات کاملی انجام نگرفته، این مقایسه ضروری بنظر می‌سد. از بین کوسفندان غیر بومی گروه ژنتیکی کردی در منطقه تراکم بالایی داشته و بعنوان شاخص گروههای غیر بومی با دو گروه ژنتیکی زندی و کلکوهی مقایسه شده است. به این منظور آزمایشی در قالب طرح بلوکهای کامل تصادفی با سه تیمار (۳ نژاد) و در ۳ تکرار و ۳۰ مشاهده به ازاء هر تکرار انجام گرفت. بره ها همسن و حدوداً (۶) ماهه بودند که بعد از تقسیم بندی لازم به مدت ۱۵ روز به منظور عادت پذیری به جیره و محیط از یک جیره آزمایشی تغذیه شدند و آنگاه برای مدت ۸۴ روز با یک جیره یکنواخت از نظر انرژی و پروتئین (انرژی برابر ۲۲۸۱ کیلوکالری و پروتئین برابر ۱۴/۴۲ درصد) تغذیه شدند. تغذیه بصورت گروهی بوده و اندازه گیری اضافه وزن و میزان خوراک مصرفی به ترتیب دو هفته یکبار و روزانه انجام گرفت. داده های بدست آمده مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. نتایج بدست آمده نشان داد که افزایش وزن نژاد کردی بطور معنی داری بیشتر از ۲ نژاد دیگر بوده است $(P < 0.05)$. یعنی بره های کردی تحت شرایط یکسان از نظر

پرورش و تغذیه با دیگر بره ها بالاترین افزایش وزن روزانه را داشته اند که نسبت به بره های زندی ۲۶ درصد و نسبت به بره های کلکوهی ۳۹ درصد بیشتر بوده است. خوراک مصرفی در مورد نژاد کردی با تفاوت معنی داری بیشتر از سایر نژادها بوده است ($P < 0.05$). ضریب تبدیل دو نژاد کردی و کلکوهی اختلاف معنی داری نداشته ولی در نژاد زندی به طور معنی داری بیشتر از دو نژاد دیگر بود ($P < 0.05$). نتایج این تحقیق نشان می دهد که هزینه خوراک برای تولید یک کیلوگرم افزایش وزن زنده در مورد گروه زندی بیشتر از بقیه و برابر 1807 ریال و در مورد گروه کردی 1585 ریال و در مورد کلکوهی 1560 ریال می باشد.

مصرف اختیاری غذا، هضم، تعادل ازت و میزان رشد بره در طی و بعد از سه ماه محدودیت کیفی غذایی

• عزیزاله کمال زاده، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان فارس

اثرات محدودیت کیفی خوراک در میزان مصرف اختیاری، هضم و تعادل (بالانس) ازت و میزان رشد و عملکرد 56 بره نر بالغ از نژاد سویفتنر اندازه گیری شد. بره ها در حدود دو ماهگی از شیر گرفته شده و به تدریج به جیره دوره آزمایش مرکب از کاه علف (8% ازت، بصورت مصرف آزاد) و 25 گرم مواد کنسانتره (21% ازت) به ازا هر کیلوگرم وزن متابولیکی (وزن زنده به توان 0.75) عادت داده شدند. در سن حدود سه ماهگی بره ها به طور کاملاً تصادفی به دو گروه آزمایشی و شاهد تقسیم شدند. از سن 3 تا 6 ماهگی مواد کنسانتره از جیره غذایی گروه آزمایشی حذف و بدین ترتیب گروه مذکور تحت محدودیت کیفی غذایی قرار گرفت. درصد دوره محدودیت غذایی، گروه آزمایشی کاهش وزن داشته و تعادل ازت منفی نشان داد در صورتیکه مصرف اختیاری کاه در این گروه به تدریج افزایش یافته و بطور معنی داری ($P < 0.001$) بیشتر از گروه شاهد بود. مدت توقف غذا در شکمبه در بره های گروه آزمایشی بیشتر ($P < 0.001$) از گروه شاهد بود. بعد از پایان دوره محدودیت غذایی، مصرف اختیاری در گروه مذکور در سطح بالاتر از گروه شاهد باقی ماند ($P < 0.001$) و میانگین اضافه وزن روزانه و جذب ازت و مواد آلی قابل هضم نیز بیشتر از گروه شاهد بود ($P < 0.001$).

سیاست قیمت گذاری فرآورده های دامی و تأثیر آن بر انواع دامداری

• اسماعیل سعیدینا،

کارشناس ارشد معاونت طرح و برنامه وزارت جهاد سازندگی

در دامداری عشایری و تاحدی دامداری روستایی به دلیل استفاده از مرتع و تحرک دام معمولاً دامهای سبک نگهداری می شوند که شامل گوسفند و بز می باشند. اما رها نشان می دهد که در سال 1366 تعداد گوسفند و بز جامعه عشایری برابر با 1696160 رأس بوده است که 90 درصد از واحدهای دامی موجود در جامعه عشایر کوچنده را شامل می شد. در این سال

برآورد می گردد که تعداد گوسفند و بز عشایری به ترتیب 24 و 36 درصد از تعداد کل گوسفند و بز در کشور باشد و از آنجا که پروراندی گوسفند و بز به صورت صنعتی در کشور رایج نیست می توان گفت به جز تعداد گوسفند و بز موجود در عشایر نسبت بزرگی از گوسفند و بز کشور در مناطق روستایی قرار دارد. روند رشد تعداد انواع دام حاکی از آن است که دامهای منگی به منابع تغذیه زراعی و مرتعی از رشد بیشتری برخوردارند و با توجه به سودمند بودن افزایش تعداد گوسفند و بز در مرتع علیرغم کاهش وزن لاشه انتظار می رود در صورت عدم سیاستگذاری صحیح روند فوق ادامه یابد. مقایسه رشد شاخص بهای گوشت با افزایش تعداد دام نشان می دهد که همبستگی مثبت معنی داری بین این دو متغیر وجود دارد، این همبستگی بین شاخصهای بهای گوشت گوسفند و بز و تعداد آنها، از سایر انواع گوشت قرمز بیشتر است که این امر به معنی آن سیاست قیمتگذاری محصولات دامی از سوی دولت موجب تشدید وضعیت فوق می شود زیرا برای تعیین قیمت، دستگاههای دولتی معمولاً الگوی محاسباتی خود را یک دامداری صنعتی در نظر می گیرند که در آن هزینه تلفی بین $80-60$ درصد قیمت تمام شده است در حالی که برای پرورش اکثریت دامهای سبک که در روستاها و جامعه عشایری است تا این حد هزینه نمی شود و از آنجا که قیمتهای اعلام شده از سوی دولت معمولاً قیمت پایه در بازار هستند و شرکتهای دولت نیز بر اساس آن عمل می کنند این نحوه قیمتگذاری و محاسبه قیمت موجب افزایش تعداد دام در مراتع و استفاده بیشتر از منابع تغذیه ارزان شده و تشویق کننده سرمایه گذاری برای تأسیس واحدهای صنعتی دامداری نیست. این مسأله از بعد تقاضا نیز قابل تأمل است زیرا به دلیل گرایش ایرانیان به مصرف گوشت گوسفند بازاربایی این نوع گوشت هزینه کمتری دارد.

اثر هورمون کورتیزول و عامل رشد اپیدرمی بر روی فولیکولهای پشم گوسفند رامنی در محیط کشت بافت

• حمیدرضا انصاری رنای،

عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات دامپروری کشور

تولید پشم گوسفندانی که تحت شرایط تنش محیطی نگهداری می شوند به شدت کاهش می یابد. علت هورمونی کاهش تولید پشم مشخص نیست اما تزریق هورمون کورتیزول و عامل رشد اپیدرمی^۱ بر تولید پشم اثر منفی می گذارد. دقیقاً معلوم نیست که کدامیک از این دو هورمون کورتیزول و عامل رشد اپیدرمی در کاهش تولید پشم گوسفند رامنی انجام گرفته است. برای دستیابی به این هدف لازم بود که اثرات این دو عامل در سطح فولیکولی مورد ارزیابی قرار گیرد. به دلیل اینکه در مطالعات موجود زنده^۲ عوامل متعدد فیزیولوژیکی و هورمونی دخیل هستند، از روش کشت فولیکولی^۳ روز به هر یک از فولیکولها اضافه گردید. تیمارها عبارت بودند از کورتیزول 0 ، 10 ، 50 و 100 نانوگرم در میلی لیتر و عامل رشد اپیدرمی 0 ، 123 ، 25 ، 50 ، 75 و 100 نانوگرم در میلی لیتر رشد طولی فولیکولها به طور روزانه بوسیله دستگاه کامپیوتر اندازه گیری شد. میزان رشد فولیکول از محاسبه شیب رگرسیون^۴ محاسبه گردید. آنالیز آماری با استفاده از آزمون دانکن محاسبه گردید. هورمون کورتیزول اثر معنی داری بر روی رشد فولیکولها نداشت اما همه غلظتهای عامل رشد

اپیدرمی نانوگرم در میلی لیتر رشد فولیکولها را به طور معنی داری ($P < 0.05$) کاهش داد و باعث گردید که فولیکولها به طور زودرس از مرحله آنژن^۵ به مرحله تلوزن^۶ انتقال یافته و فعالیت فولیکولها می گذارد، اما این هورمون در محیط کشت بافت هیچگونه تأثیری بر روی فولیکولها نداشت. نتیجه اینکه کورتیزول بر روی رشد فولیکول اثر مستقیمی ندارد، بلکه به صورت غیر مستقیم از طریق یک یا چند عامل دیگر همچون بر روی فولیکول اثر مستقیمی ندارد بلکه به صورت غیر مستقیم از طریق یک یا چند عامل دیگر همچون بر روی فولیکول تأثیر می گذارد.

1- Epidermal growth factor 2- In vivo 3- Follicle culture 4- Slope of regression 5- Anagen 6- Telogen

اثر سطوح انرژی جیره و وزنه کشتار در کاهش چربی لاشه و همبستگی برخی از ابعاد ظاهری بدن با چربی لاشه در بره های نر لری بختیاری

• فرشاد زمانی، کارشناس ارشد دامپروری سازمان جهاد استان چهارمحال و بختیاری • محمد علی ادریس، دانشیار گروه دامپروری دانشگاه صنعتی اصفهان • غلامرضا قربانی، استادیار گروه دامپروری دانشگاه صنعتی اصفهان • محمدجواد ضمیری، دانشیار گروه دامپروری دانشگاه شیراز

برای تعیین اثر سطوح انرژی جیره و سطوح وزن کشتار در میزان ذخیره چربی لاشه همچنین یافتن ارتباط و همبستگی ابعاد ظاهری بدن و ابعاد ظاهری دنبه با وزن دنبه و چربی قابل جدا شدن لاشه تعداد 54 رأس بره نر لری بختیاری در سن شیرگیری 95 ± 5 روزگی در یک آزمایش فاکتوریل با دو سطح انرژی، استاندارد و پائین تر از استاندارد (2141 و 2168 مگا کالری انرژی قابل متابولیسم بر کیلوگرم ماده خشک) و سه سطح وزن کشتار (45 ، $52/5$ و 60 کیلوگرم) مورد استفاده قرار گرفت. پس از طی دوره پرورار قبل از کشتار هر رأس دام در وزن مورد نظر، 7 اندازه از ابعاد ظاهری بدن و 8 اندازه از ابعاد ظاهری دنبه، اندازه گیری شد. سپس دامها کشتار نیمه راست لاشه برای تجزیه فیزیکی و نیمه چپ برای تجزیه شیمیایی مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاصله از این آزمایش نشان داد سطوح انرژی جیره در میانگین حداقل مربعات چربیهای لاشه ای، تأثیر آماری معنی داری را در سطح احتمال 5 درصد ایجاد نکرد گرچه میانگین وزن چربی قابل جدا شدن لاشه در سطوح انرژی استاندارد و پائین تر از استاندارد به ترتیب $9/37$ و $9/04$ کیلوگرم به دست آمد. همچنین سطوح وزن کشتار در میزان چربی لاشه تأثیر آماری معنی داری را نشان داد ($P < 0.05$) و میانگین حداقل مربعات وزن چربیهای قابل جدا شدن لاشه در سه سطح وزن کشتار 45 ، $52/5$ و 60 کیلوگرم به ترتیب $7/13$ ، $9/23$ و $11/25$ کیلوگرم به دست آمد. در این آزمایش ضرایب همبستگی حجم دنبه، محیط بالای دنبه، محیط پائین دنبه، عرض بالای دنبه، عرض پائین دنبه X ضخامت بالای دنبه و طول دنبه به ترتیب 0.981 ، 0.854 ، 0.824 ، 0.689 ، 0.600 ، 0.388 و 0.47 ($P < 0.001$) به دست آمد. ضرایب همبستگی ارتفاع کمر و عرض پشت با میزان چربی لاشه در سطح احتمال 5 درصد معنی دار و نسبتاً بالا بود. همچنین معادلات تابعت وزن دنبه و وزن گوشت و وزنه چربی لاشه به وسیله ابعاد ظاهری بدن به دست آمد.